

«تشکل‌های زنان روستایی در قالب صندوق‌های اعتباری خرد: ضرورتی برای دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی»

مرضیه فراشی^۱، مهدی رحیمیان*^۲ سعید غلامرضایی^۳

۱- دانشجویی کارشناسی ارشد گرایش توسعه روستایی دانشگاه لرستان، آدرس: خرم آباد، دانشگاه لرستان، دانشکده کشاورزی کیلومتر ۱۲ جاده اندیمشک

تلفن ۰۶۶۳۳۱۲۰۰۸۸ - کدپستی ۶۸۱۳۷۱۷۱۳۲ - تلفن همراه ۰۹۱۶۸۷۷۰۷۷۸ - ایمیل

mehdi_rahimian61@yahoo.com

۲- استادیار گروه اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی دانشگاه لرستان

۳- استادیار گروه اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی دانشگاه لرستان

چکیده

زنان روستایی یک سوم از نیروی کار رسمی روستایی را به خود اختصاص داده‌اند، هم‌چنین از نظر اقتصادی نیز، ده درصد درآمد جهان و یک سوم دارایی‌های جهان را در اختیار دارند. در عین حال، با وجود اهمیت زنان در نیل به اهداف توسعه، شوربختانه نقش و جای‌گاه آنان در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و گاه کوتاه‌مدت توسعه نادیده گرفته شده است. بدون شک این کم‌توجهی در برنامه‌ریزی‌ها، نحوه‌ی تخصیص منابع و نیز روند اقداماتی از این دست، موجب گسترش روزافزون فقر زنان و در نتیجه کند شدن و حتی ناکامی بسیاری از برنامه‌های توسعه شده است. از این‌رو کاهش فقر زنان، و به‌ویژه زنان روستایی، از طریق ایجاد اشتغال متناسب با توان‌مندی‌ها و نیازهای روز آنان و پاسخ‌گویی به توانایی‌ها و استعداد‌های آن‌ها حائز اهمیت فراوان است. به گونه‌ای که اکنون صاحب نظران معتقدند که می‌بایست با بازنگری در دیدگاه‌های برنامه‌ریزی، توجه و تأکید ویژه‌ای نسبت به این قشر آسیب‌پذیر مبذول شود. در این راستا، طی سالیان گذشته یکی از سازوکارهایی که جهت کاهش فقر زنان در مناطق محروم و روستایی مورد توجه قرار گرفته است، تشکیل صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی است. این صندوق‌ها با هدف ایجاد کسب و کارهای خرد برای زنان و توان‌مندسازی اقتصادی، اجتماعی آنان تأسیس شده‌اند. به همین خاطر هدف از انجام مطالعه مروری- تحلیلی حاضر بررسی ضرورت کاهش فقر زنان روستایی و نیز تأکید بر نقش صندوق‌های اعتباری خرد در این راستا می‌باشد که جهت دستیابی به اهداف مدنظر تحقیق از منابع کتابخانه‌ای و اسناد معتبر استفاده شده است.

کلمات کلیدی: فقر، زنان روستایی، توان‌مندسازی، صندوق‌های اعتباری خرد

مقدمه

جنبش یا "انقلاب اعتبارات خرد" به طور جدی، با ایجاد "گرامین بانک" یا بانک دهکده در سال ۱۹۸۳ در بنگلادش آغاز شده و به بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانند ایران گسترش پیدا کرده است. در ایران نیز طرح صندوق اعتبارات خرد با استفاده از تجربه گرامین بانک به عنوان الگویی در جوامع روستایی با هدف بهبود وضعیت توان‌مندی زنان روستایی در سال ۱۳۷۹ اجرا [۱] (احمدپور و همکاران، ۱۳۹۳) چرا که در دنیای کنونی، دستیابی به اهداف توسعه بدون در نظر گرفتن قشر زنان امکان‌پذیر نیست و در مناطق روستایی، زنان در تولید محصولات کشاورزی از نقشی عمده برخوردارند [۲] (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶). طبق گزارش بانک جهانی، زنان در بردارنده‌ی ۵۰٪ نیروی کار کشاورزی در جهان هستند که در برخی کشورها این میزان حتی به ۷۰٪ می‌رسد [۳] (FAO, 2012). اما با وجود سهم عظیم زنان روستایی در تولید غذا و رفاه خانواده، آن‌ها دست کم گرفته می‌شوند و در راهبردهای توسعه مغفول می‌مانند [۴] (Parveen, 2008). هر چند ضرورت و الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی همواره در تاریخ توسعه جوامع روستایی مطرح بوده اما در این زمینه، هنوز برای زنان روستایی وضعیت مطلوب ایجاد نشده است که یکی از دلایل آن عدم بسترسازی مناسب برای ایجاد فرصت‌های اشتغال آن‌هاست به طوری که عدم موفقیت پروژه‌های روستایی در تأثیرگذاری بر تولید محصولات کشاورزی به علت غفلت از نقش‌های اساسی زنان در برنامه‌ها بوده است [۵] (پاپ‌زن و همکاران، ۱۳۹۰). تشکل‌های زنان روستایی، چنانچه به دور از تبعیض و در پرتو مشارکت عمومی برای اشتغال شایسته زنان شکل گیرد، در تحقق عدالت اجتماعی بسیار موثر خواهد بود زیرا که زنان با حضور در تشکل‌ها، علاوه بر برخورداری از مزایای اقتصادی، فرصت کسب تجربه در زمینه رهبری و مدیریت و همچنین جلوگیری از تبعیض جنسیتی را به دست می‌آورند [۶] (آجیلی و همکاران، ۱۳۸۸). با فراهم شدن زمینه‌های اشتغال مناسب ویژه زنان روستایی، مثل اشتغال‌های مرتبط با کشاورزی می‌توان علاوه بر نمایان ساختن نقش زنان در جامعه، در جهت رسیدن به توسعه پایدار حرکت کرد [۷] (Singh & Suthar, 2012). به دنبال این مباحث، امکان کاهش فقر و افزایش توسعه پایدار به واسطه صندوق‌های اعتبارات خرد زنان یکی از سازوکارهایی است که طی چند دهه اخیر توجه بسیاری از دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان توسعه را به خود معطوف داشته است. به طوری که امروزه عملکرد موفق برخی از این صندوق‌ها در توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان فقیر، ضرورت وجود این صندوق‌ها را به عنوان یکی از ابزارهای نیل به توسعه پایدار بر همگان روشن ساخته است. از این‌رو در این تحقیق سعی بر آن است که با بررسی جایگاه زنان روستایی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، ضرورت صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی به عنوان یک تشکل توان‌مندساز این قشر فقیر روستایی مورد واکاوی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها

هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی و تحلیل نقش و اهمیت تشکل‌های زنان روستایی در قالب صندوق‌های اعتباری خرد به عنوان ضرورتی برای دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی می‌باشد. این پژوهش از نظر دسته بندی روش‌های مختلف تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی به شمار می‌رود که برای دستیابی به اهداف مورد نظر از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اطلاعاتی اینترنتی و بررسی اسناد معتبر بهره برده است.

مبانی نظری

جایگاه زنان روستایی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه

توسعه‌ی پایدار در همه‌ی ابعاد آن، از جمله توسعه روستایی، با مشارکت واقعی و فعال زنان در کنار مردان در فرآیند توسعه محقق می‌شود [۸] (رضوانی، ۱۳۸۳). در این خصوص، آمار موجود حاکی از آن است که زنان روستایی نقش و مشارکت درخور توجهی در فعالیتهای کشاورزی، به‌ویژه در زمینه‌ی تولید مواد غذایی، دارند. زنان یکی از گروه‌های موثر و کارا در مناطق روستایی‌اند که حدود ۴۰ درصد از فعالیتهای کشاورزی و ۹۰ درصد در حوزه‌ی صنایع دستی از سوی آنها انجام می‌شود. افزون بر مشارکت در فعالیتهای تولیدی، نگهداری دام و طیور، بازاریابی و فروش محصولات، تبدیل و عمل‌آوری محصولات دامی و زراعی، فعالیتهای اجتماعی، همسرداری و مدیریت زندگی، از جمله نقش‌های متعدد دیگری است که زنان در فرآیند توسعه روستایی برعهده دارند [۹] (احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۶). از سوی جنسیت، از آموزش و مهارت لازم برخوردار باشند؛ به‌نحوی که بسیاری از محققان و دانشمندان یکی از دلایل اصلی دست‌نیافتن کشورهای در حال توسعه به اهداف توسعه روستایی را پایین بودن سطح توانمندی زنان در نظر گرفته‌اند [۱۰] (فرجی سبکبار، ۱۳۸۸). در دنیای کنونی، دستیابی به اهداف توسعه بدون درنظر گرفتن قشر زنان امکان‌پذیر نیست زیرا در مناطق روستایی، زنان در تولید محصولات کشاورزی از نقش عمده‌ای برخوردارند [۲] (طالب و نجفی اصل، ۱۳۸۶). مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی بیشتر از آنی است که آمارها ارائه می‌دهند، این امر از آن‌جا نشأت می‌گیرد که بیشتر کارهای انجام شده توسط زنان در مزرعه و خانه به‌عنوان کارهای روزمره تلقی می‌شوند، در حالی که زنان روستایی، دانش بومی، مهارت، توانایی و منابعی را در اختیار دارند که می‌توانند آن‌ها را در ایجاد و مدیریت فعالیتهای درآمدزا کمک کند [۱۱] (Sathibama, 2010). عدم دسترسی زنان روستایی به عوامل تولید از جمله زمین، اعتبار و خدمات توسعه‌ای و ترویجی از مهم‌ترین مسائلی است که مانع از ایفای نقش زنان در توسعه می‌گردد [۱۲] (زرافشانی و هم‌کاران، ۱۳۹۱). زنان قلب توسعه اجتماعی-اقتصادی هر ملت می‌باشند [۱۳] (Pereka, 1998). طبق گزارش بانک جهانی، زنان دربردارنده‌ی ۵۰٪ نیروی کار کشاورزی در جهان هستند که در برخی کشورها این میزان به ۷۰ درصد می‌رسد [۳] (FAO, 2012). اما با وجود سهم عظیم زنان روستایی در تولید غذا و رفاه خانواده، آن‌ها دست کم گرفته می‌شوند و در راه‌بردهای توسعه مغفول می‌مانند [۴] (Parveen, 2008). به‌دلایل فرهنگی زنان همواره دسترسی کم‌تری به منابع داشته و کم‌ترین بهره را از خدمات ارائه شده برده‌اند [۱۴] (اعظمی و سروش مهر، ۱۳۸۹). وفاق عمومی که بر سر مساله آسیب‌پذیر دانستن زنان سرپرست خانوار وجود دارد، موجب شده که بسیاری از دستگاه‌های محلی، ملی، جهانی، خود را دست‌اندرکار گره‌گشایی از مسائل این زنان و خانواده‌های آن‌ها بدانند و در جهت توانا سازی و حمایت از آنان تا رسیدن به سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی مطلوب فعالیت کنند. زنان در گستره جهانی نقش عمده‌ای در فعالیتهای اقتصادی دارند، اما فعالیت اقتصادی آنها در کشورهای در حال توسعه و از همه مهم‌تر نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیتهای عمدتاً در داخل خانه انجام می‌شود و جنبه‌ی تولیدی داشته و در افزایش درآمد خانوار تأثیر به‌سزایی دارد [۱۵] (نوری و علی محمدی، ۱۳۸۸). آنها به‌عنوان عامل موثر در امور مختلف اقتصادی، اجتماعی و از نظر مشارکت نیروی انسانی مورد نیاز در جامعه نقش مهمی دارند و همواره این نیاز احساس می‌شود که می‌بایست در زمینه‌های مختلف توانمند شوند تا از این طریق بتوانند نقش خود را در جامعه بیشتر نمایان کنند [۱۶] (Jackson, 2010).

ضرورت توان‌مندسازی زنان فقیر روستایی

زنان حق گرفتن قدرت کنترل زندگی خود را در داخل و خارج از خانه را دارند، و این ویژگی به زنان استقلال در حفظ و به‌دست آوردن درآمد را اعطاء می‌کند این جزء زن ارائه می‌دهد، چرا که زنان هم‌چون مردان حق دسترسی به فرصت‌ها و منابع را به‌صورت برابر دارند. این عنصر اجازه می‌دهد تا زنان برای افزایش منابع پولی و غیر پولی از جمله سرمایه‌گذاری، استفاده از زمین، فراگیری کسب و کار، تهیه مواد غذایی، مراقبت‌های پزشکی و نیازهای خانواده به صورت برابر با مردان فعالیت کنند [۱۷] (Rafad, 2010) (Unfpa&) طبق دیدگاه اگبومه؛ توان‌مندسازی زنان به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود تعریف شده

که موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتری در آن‌ها می‌شود و این فرایند موجب افزایش عزت نفس زنان می‌شود. در سطح جهانی، برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل "ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سطح گسترده را به‌عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه‌ی هزاره‌ی سوم" اعلام کرده است. به‌طبع آن در کشور ما نیز، توانمندسازی زنان و مشارکت آن‌ها در فرایندهای مختلف زندگی، به‌عنوان یکی از نشان‌گرهای مهم موفقیت مبارزه با فقر تلقی شده است [۱۸] (شکوری و هم‌کاران، ۱۳۸۶). توانمندسازی عبارت است از قدرت تصمیم‌گیری در زندگی، و کلیه فرآیندهایی که منجر می‌شود افراد در زندگی خود توانایی تصمیم‌گیری را به‌دست بیاورند. باتلیوالا، توانمندی زنان را به این صورت تعریف می‌کند: توانایی زنان برای به‌دست آوردن آگاهی و کنترل نیروهای شخصی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با هدف اقدام برای بهبود زندگی‌شان [۱۹] (Menon, 2003). می‌توان گفت فرایند توانمندسازی از سه مولفه به‌طور هم‌زمان تشکیل شده است: اول، منابع یا پیش‌شرط‌ها؛ دوم، عنصر عمل یا عاملیت؛ و سوم، نتایج [۲۰] (Allenderf and Yin, 2006). بر همین اساس، پیش‌شرط‌ها به دو قسمت منابع و زمینه توانمندسازی قابل تقسیم است. منابع توانمندسازی عبارت‌اند از عوامل یا سرمایه‌هایی که توانایی زنان را در برابر تکانه‌های ناگهانی زندگی حفظ و توانمندی آن‌ها را تسهیل می‌کنند، مانند مالکیت بر زمین [۲۱] (Agarwal, 1997). توانمندسازی زنان فرآیندی پویاست که به زنان برای دستیابی بیشتر به منابع و نیز کنترل بر زندگی خود کمک می‌کند و زمینه‌های احساس استقلال و ایجاد عزت نفس بیشتر را در آن‌ها پدید می‌آورد [۲۲] (برقی و قنبری، ۱۳۹۱). نظریه تواناسازی ترکیبی از نظریه رفاه، برابری و فقرزدایی است. با این تفاوت که طرفداران این نظریه برای عینیت بخشیدن به تغییرات بلند مدت به امید آینده و یا سازمان‌های دولتی تکیه نداشته بلکه تلاش سازمان‌های غیردولتی زنان و گروه‌های مشابه برای بسیج سیاسی، آگاه‌سازی و آموزش همگان را ضروری می‌دانند [۲۳] (زیارتی، ۱۳۸۳). توانمندسازی راه‌بردی است که می‌تواند باعث توسعه اجتماعات محلی [۲۴] (هادی‌زاده، ۱۳۸۴) متضمن مقاومت در برابر انزوای افراد و کاهش وابستگی آنان [۲۵] (کولت، ۱۳۸۳)، امکان انتخاب بر اساس خواسته‌های خود و غیره شود. توانمندسازی در زبان فارسی، مترادف قدرت‌مندسازی، کارآمدسازی، تواناسازی و توان‌افزایی است. واژه توانمندسازی به‌دنبال انقلاب در مدیریت و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دوران انقلاب صنعتی بر می‌گردد [۲۶] (احمدیان شالچی، ۱۳۸۶). آنچه در واژه توانمندسازی نهفته است عناصر؛ دست‌رسی، مداخله و مشارکت، مسئولیت و ظرفیت تشکیلات محلی است. در خصوص توانمندسازی زنان نظریات متعددی وجود دارد. گروه اول توانمندسازی زنان را به مشارکت در تصمیم‌گیری و افزایش میزان دست‌رسی به منابع تولیدی بدون توجه به تحولات ساختاری و بیشتر نیازهای عملی را مد نظر دارند. گروه دوم توانمندسازی زنان را در راستای رسیدن به عدالت اجتماعی و توسعه پایدار می‌دانند [۲۷] (Malhotra, 2002). توانمندسازی فرآیندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دستیابی به هدف و عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند. یکی از مفاهیمی که در ارتباط با توانمندسازی زنان مطرح است، موضوع مشارکت است. یعنی مشارکت برابر و یا فرصت مشارکت زنان در فرآیند تصمیم‌گیری و در تمام مراحل آن شامل؛ بررسی نیازها شناسایی مشکلات، برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرا و ارزشیابی است [۲۸] (کتابی، ۱۳۸۴). اما واقعیت این‌است که در زمینه مشارکت زنان در فرآیند مشکلات فراوانی از جمله؛ موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، پایین بودن سطح دانش و آگاهی، عدم دسترسی به منابع، عدم کنترل بر منابع و مشغله فراوان است [۲۹] (ایروانی، ۱۳۷۳). توانمندسازی زنان نه‌تنها به نفع زنان بلکه به نفع کل خانواده می‌باشد. زنان با درآمدی که به دست می‌آورند چیزی برای خود پس‌انداز نمی‌کنند؛ بلکه همه را صرف خانواده می‌کنند. این در حالی است که مردان تنها ۵۰ تا ۶۸ درصد از درآمد خود را به خانه می‌آورند [۳۰] (Chant, 2003). بنابراین سرمایه‌گذاری برای ارتقای موقعیت اقتصادی زنان تأثیری چندبرابر نسبت به مردان دارد [۳۱] (Cheston and Khun, 2002). نظریه توانمندسازی بر این نکته تأکید دارد که زنان نه تنها باید نابرابری‌های موجود، بلکه ساختارهای مولد نابرابری را در سطوح گوناگون و هم‌زمان زیر سؤال برده و با آن مبارزه کنند. نظریه توانمندسازی بیشتر لحاظ کردن توان زنان را در جهت افزایش اتکاء به خود و قدرت درونی

تعریف می‌کند و در پی توان‌مندسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در داخل خانواده و در جامعه است [۳۲] (Rezaee,2003). طبق نظر تئوریسین‌های پیشگام نظریه توان‌مندسازی، این نظریه پنج مرحله از برابری بین مردان و زنان را در بردارد و معیارهای آن عبارت‌اند از؛ رفاه، دسترسی به منابع، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌باشد [۳۳] (Shojaee,2000). هدف غایی توان‌مندسازی مردم، آماده‌سازی آنان برای یافتن راه‌حل مسائل و مشکلات فردی، محلی و ملی است [۳۴] (رضوی،۱۳۸۴). عوامل متعددی در توان‌مندسازی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر گذار است که در این زمینه اسپریتز، عوامل فردی موثر بر توان‌مندسازی را مواردی همانند سن، تحصیلات و سابقه‌ی کار و عوامل اجتماعی را مواردی همچون شرکت در جلسات و تشکل‌ها، بهره‌مندی از آموزش، دسترسی به منابع و امکانات، ارتباطات و مشارکت در محیط کار می‌داند [۳۵،۳۶] (ضیایی و هم‌کاران،۱۳۸۷ و Dimitriades,2009)

ضرورت توان‌مندسازی زنان فقیر روستایی در برنامه‌های توسعه

توسعه و عمران روستایی در چند دهه اخیر همواره یکی از دغدغه‌های اصلی توسعه در ایران و در اکثر کشورهای در حال توسعه بوده است. با گذشت بیش از نیم قرن تجربه توسعه و توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه، مسائل و مشکلات متعددی در روند توسعه مناطق روستایی وجود دارد که ضرورت تبیین الگوی مناسب برای توسعه مناطق روستایی جهان و بازنگری و تأملی عمیق را در مبنای، مفاهیم و روش‌های به‌کار رفته در توسعه روستایی به‌وجود آورده است. از این‌رو، برنامه‌ریزان توسعه روستایی در سال‌های اخیر به نقش زنان روستایی در توسعه، به‌ویژه در توسعه پایدار، توجهی خاص مبذول داشته‌اند [۱] (احمدپور و هم‌کاران، ۱۳۹۳). با وجود تلاش‌های زیاد برنامه‌ریزان توسعه هنوز نتوانسته‌اند که از توان موجود و بالقوه زنان در فرایند توسعه استفاده کنند چرا که امکانات توزیع شده برنامه‌های توسعه اغلب به دست زنان روستایی نرسیده است، در این برنامه‌ها اغلب مردان را به عنوان تولیدکنندگان کشاورزی شناخته‌اند و توجه کافی به زنان روستایی نشده است. بنابراین، یکی از عوامل عقب ماندن و محرومیت زنان روستایی در برنامه‌های توسعه نبود شناخت کافی از میزان توان‌مندی زنان روستایی است [۳۷] (سواری و هم‌کاران، ۱۳۹۰).

اعتبارات خرد و توسعه کشاورزی

باعنایت به ارتباط توسعه روستایی با توسعه کشاورزی و نقش اعتبارات خرد در تحقق این دو، ضرورت توجه به توسعه روستایی تا حدودی تابعی از توان‌مندسازی روستاییان است، زیرا تغییر و تکامل دانش، مهارت و نگرش روستاییان به توسعه روستایی منجر می‌شود. با تغییر نگرش روستاییان نسبت به فعالیت‌های کشاورزی و سایر فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی و ارتقای آگاهی و دانش آنان، موجبات توسعه پایدار مناطق روستایی را فراهم می‌سازند [۳۸] (حیدری ساریان، ۱۳۹۱). امروزه شکل‌گیری فرایند توان‌مندسازی اقتصادی در بخش کشاورزی در قالب پارادایم‌های جدید توسعه روستایی، نقش مهمی در تجهیز کردن روستاییان به مهارت‌های شناختی و تصمیم‌گیری در تعیین محدودیت‌ها و اولویت‌ها و بهره‌برداری بهینه از فرصت‌ها و امکانات موجود دارد. در واقع پارادایم توان‌مندسازی فرایندی است آموزشی که زمینه‌های لازم را جهت کسب مهارت‌های شناختی و ادراکی در روستائیان فراهم و قدرت تصمیم‌گیری در آنها تقویت می‌کند. یکی از ابزارهایی که می‌تواند در شکل‌گیری این فرایند موثر واقع شود تعاونی‌ها و تشکل‌های روستایی بهترین سازوکار مشارکت مردمی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود که توانایی ایجاد اشتغال و معیشت پایدار برای اقشار آسیب‌پذیر و کم‌درآمد روستایی را دارد و می‌توانند منشاء کارآفرینی و توسعه باشند و با افزایش اشتغال‌زایی و بهبود وضعیت اقتصادی اعضای خود گام موثری در راستای توسعه روستاها بردارند [۳۹] (یعقوبی و هم‌کاران، ۱۳۸۹). از دیگر ویژه‌گی‌های مطلوب این تشکل‌ها ارتقای سطح دانش و مهارت اعضا، تقویت روحیه گروهی، تأمین نیازهای معیشتی و حرفه‌ای روستاییان، بالابردن بهره‌وری و کارایی، فراهم کردن امکانات و مواد اولیه تولید و در نهایت اشتغال‌زایی و افزایش تولید

می‌باشد. با گسترش روزافزون تعاونی‌ها و نقش اساسی آن‌ها در برقراری عدالت اجتماعی و توان‌توان‌مندسازی اجتماعی و نیز بهبود وضعیت اقتصادی، نگاه ارزیابانه به فعالیت‌های تعاونی‌ها و اثر بخشی آن‌ها در تحقق اهداف، از ضروریات است. در این تعاونی‌ها زنان در زمینه‌های تولید گیاهان دارویی، محصولات گل‌خانه‌ای، زراعت، باغبانی، تولید ورمی کمپوست و پرورش قارچ فعالیت دارند [۴۰] (ده‌حقی و همکاران، ۱۳۹۳). هر چند اعتبارات خرد برای اکثر زنان عضو صندوق آرامش بخش است، اما برای افرادی که توان بازپرداخت وام‌ها را ندارند و یا مبلغ وام آن‌ها به دلایلی چون؛ تلف شدن دام و یا خراب شدن مواد اولیه و غیره، به هدر رفته، موجب فشار روانی شده است. در واقع موجب افزایش نگرانی‌های مالی می‌شود [۴۱] (رحمانی و هم‌کاران، ۱۳۸۹).

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش معظمی و همکاران ۱۳۸۴ اثر اعتبارات خرد روستایی نشان می‌دهد که در ایجاد اشتغال دائمی و پایدار، محدود بوده و برای ایجاد اشتغال پایدار، لازم است بازنگری‌هایی در مقدار وام و گروه‌های هدف انجام گیرد، همچنین این برنامه‌ها در مقایسه با برنامه‌های دیگر باعث افزایش میزان دارایی‌های خانوار شده است [۴۲]. دیاو و همکاران ۲۰۰۷، در پژوهشی در آفریقا به این نتیجه رسیدند زنان روستایی و مشارکت بالایی در فعالیت‌های تولیدی دارند از امنیت غذایی بالاتری برخوردار هستند. به‌طور کلی فعالیت‌های زراعی با تأثیری که در توان‌مندسازی اقتصادی زنان روستایی در نهایت بر امنیت غذایی خانوار تأثیر می‌گذارد. تشکل‌های روستایی پیامدهای مثبت فراوانی بر توسعه جوامع روستایی و در پی آن بر توسعه پایدار داشته باشد. از جمله این تشکل‌ها می‌توان به تشکل‌های تولید کننده ورمی کمپوست [۴۳] (رضایی‌مقدم و نعمت‌پور، ۱۳۹۳)، پروژه ترسیب کربن [۴۴] (فوائدی و همکاران، ۱۳۹۰)، فرش دستباف [۴۵] (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۱)، زنبور داری، پرورش قارچ، صنایع تبدیلی و تکمیلی. پیشنهادها:

۱. نحوه نظارت بر عملکرد، اهداف، شیوه تشکیل تشکل‌ها و صندوق‌های اعتباری خرد؛ به‌طوری‌که اعتبارات پرداخت شده در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر صندوق مصرف شود.
۲. انجام تحقیقات بیشتر در زمینه نقش و عملکرد این صندوق‌ها در توسعه پایدار و معرفی هر چه بیشتر این صندوق‌ها به جامعه

Rural women's groups in the form of micro-credit fund: a necessity for achieving sustainable agricultural development

Marziye Farashi, Mehdi Rahimian, Saeid Gholamrezai⁶,

Abstract

According to official statistics rural women one-third of the rural labor force is allocated, as well as the economic, they have ten percent of the world income, and one-third of their assets in the world too. However, despite the importance of women in achieving development goals, unfortunately neglected the role and place those in a lot of long-term planning and sometimes short-term development. Certainly this inattention in the planning, the allocation of resources and the actions of this kind, led to increasing women's poverty and slowing or even the failure of many development programs.

So the poverty of women, particularly rural women, through the creation of employment commensurate with their ability and needs and respond to their abilities and talents is very important. So that the experts believe that it could be attention and a special emphasis given to the vulnerable group by reviewed in view of planning. In this regard, over the years, one of the mechanisms for poverty women reduction in poor and rural regions was taken into consideration, the formation of micro-credit funds for rural women. The funds were established with the goal of creating small businesses for women and their economic and social empowerment. Hence the purpose of this descriptive - analytical research is investigation the necessity of reduces poverty rural women, and emphasis on the role of micro-credit funds that for achieving the goals of research used of valid references and documents.

Keywords: Poverty, Rural Women, Empowerment, Micro-Credit Fund

فهرست منابع

۱. احمدپور، ا، عبدی ترکامی، م، سلطانی، ش، (۱۳۹۳) "عوامل موثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی شهرستان قائم شهر"، فصلنامه تعاون و کشاورزی، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۳.
۲. طالب، م، نجفی اصل، ز، (۱۳۸۶)، "پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توان‌مندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری(س) در روستاهای بویین زهرا" فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶.
3. FAO.(2012).UN launches new program to Empower Rural Women and Girls. Published Report by FAO. Retrieved from <http://www.fao.org/news/story/en/item/158377/icode/>
4. Parveen,S.(2008).access of rural women to productive resources in Bangladesh:a pillar for promoting their empowerment . International journal of Rural Studies,15(1),1-8 retriv ed from <http://www.vri-online.org.uk/index.php>.
۵. پاپ‌زن، ع، خالدی، خ، سلیمانی، ع، (۱۳۹۰)، " ارزشیابی آموزش فنی حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی ". فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال ۲، شماره ۳، صص ۳۸۲۱.
۶. آجیلی، ع، منجم زاده، ز، اشرفی، پ، (۱۳۸۸)، " بررسی مسائل و مشکلات تعاونی‌های زنان استان خوزستان و راه‌های ارتقای کمی و کیفی آن‌ها ". تعاون، سال ۲۰، شماره ۲۰۸ و ۲۰۹، صص ۶۳-۷۹.
7. Singh, D and Suthar, S. (2012),” phVermicomposting of herbal pharmaceutical industry solid wastes”. Ecological Engineering, Vol.39,pp.1-6.
۸. رضوانی، م، (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: قوموس
۹. احمدی شاپورآبادی، م، امینی، ا، (۱۳۸۶). "اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آن‌ها" فصلنامه مطالعات زنان، س ۲، ش ۵، صص ۶۵-۹۱.
۱۰. فرجی‌سبکبار، ح، خاکی، ا، نعمتی، م، (۱۳۸۸). "ارزیابی نقش ICT در توان‌مندسازی زنان روستایی"، مجله انجمن جغرافیای ایران، س ۷، ش ۲۲، صص ۱۷۳-۱۵۹.
11. Sathiabama,K(2010)”Rural Women Empowerment and Entrepreneurship Development “، ess Student papers Sathiabama/Women Empowerment . Download from <http://www.Rural%20 women %20 Empowerment %20 and %20 Entrepreneurship%20 development.pdf>
۱۲. زرافشانی، ک، علی‌بیگی، ا، فقیری، م (۱۳۹۱)، رتبه‌بندی صندوق‌های اعتبارات خرد براساس توان‌مندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه، زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۰۵-۱۲۴.
13. Pereka,A.K.(1998).The role of women in rural development in tanzania.Second Pan Commonwealth Veterinary Conference on Animal Health and Production in Rural Areas,the Essential Role of Women at all Levels.Vol 1.Bangalore,India

۱۴. اعظمی، م، سروش مهر، ه. (۱۳۸۹). "تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید" پژوهش‌های روستایی، شماره ۴، ۱۷۹-۲۰۴.
۱۵. نوری، ه، علی محمدی، ن، (۱۳۸۸) "تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه برآن-شهرستان اصفهان)" مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۰، شماره ۲.
16. Jackson, M. (2010). "Empowering Women of Nepal: An Experience of Empowerment in the Land of the Himalaya". M.A Thesis, Prescott College in Adventure Education.
17. UNFPA & RAFAD. (2010). Exploring Linkages: Women's Empowerment, Microfinance and Health Education. UNFPA.
۱۸. شکوری، ع؛ رفعت جاه، م، جعفری، م، (۱۳۸۶) "پژوهش زنان، مولفه‌ها توان‌مندسازی زنان و تبیین عوامل موثر بر آن‌ها". دوره ۵، شماره ۱.
19. Menon, L. (2003). Organization Strategies in Womens Health: an Information and Action Hand Book. Manila: Isis International.
20. Allenderf, K. D. and Yin. W. (2006), "Female empowerment: impact of a commitment saving product in the Philippines". Center Discussion Paper No 949, Economic Growth Center, Yale University, New Haven, New England.
21. Agarwal, B. (1997), "Bargaining and gender relations: within and beyond the household". Feminist Economics, Vol. 2, No. 1, pp. 1-50.
۲۲. برقی، ع، قنبری، ی، (۱۳۹۱)، "بررسی و نظر سنجی درباره مولفه‌های توان‌مندسازی زنان روستایی و تبیین عوامل موثر بر آن‌ها: مطالعه موردی روستاهای شهرستان اصفهان"، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، صفحات ۳۷-۵۳.
۲۳. زیارتی نصرآبادی، ا، ۱۳۸۳، سازمان‌های غیر دولتی و توسعه پایدار، ماهنامه پژوهشی آموزشی و ترویجی دهیاری، شماره ۱۸.
۲۴. هادی‌زاده بزار، م، ۱۳۸۴، حاشیه‌نشینی و راهکارهای سامان‌دهی آن در جهان، انتشارات آذربریز.
۲۵. کولت، ا، فیلیپا، ۱۳۸۳، نقش اجتماعات توسعه بازار، فصل‌نامه روستا و توسعه، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
۲۶. احمدیان‌شالچی، ن، ۱۳۸۶، توان‌مندسازی زنان خود سرپرست در منظومه مشهدقلی، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.
27. Malhatra Anju phd (2002), "Measuring Womens Empowerment as a Variable I International Development", Worldbank Workshop on Poverty and Gender, june.
۲۸. کتابی، م، ۱۳۸۴، پیش‌شرطها و موانع توان‌مندسازی زنان، مجله پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، شماره ۲.
۲۹. ایروانی، ه، ۱۳۷۳، معیارهای توان‌سازی زنان در توسعه، مجله جهاد، سال پانزده، شماره ۱۷۱.
30. chant, s. (2003). New contributions to the analysis of poverty; methodological and conceptual challenges to understanding poverty from a gender perspective. Santiago: CEPAL U.N., Women and Development unit.
31. Cheston, S. and Khun, L. (2002). Empowering women through microfinance. Daley-Harris San (ed). Bloomfield, Connecticut
32. Rezaee, Z. (2003) Womens empowerment in development process. Women and Development. Cultural and social Research Group.
33. Shojae, Z. (2000). Proceeding of the women empowerment seminar. Participation Affairs of Presidential Women Department in Iran. Tehran: Center Publication. (Persian).
۳۴. رضوی، ک (۱۳۸۴)، "کاربرد روش‌ها و فنون رهیافت مشارکت گامی در جهت ظرفیت‌سازی سازمانی و توان‌مندسازی مردم جوامع محلی"، چهارمین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهشکی کاربردی.
۳۵. ضیائی، م و همکاران (۱۳۸۷)، نقش رهبری معنوی در توان‌مندسازی کارکنان دانشگاه تهران، نشریه‌ی مدیریت دولتی، شماره ۱، پاییز و زمستان ۸۷، صص ۶۷-۸۶.
36. Dimitriades . Z & Kufida. s (2009), Individual, Job, Organizational and Contextual Correlates of Employment Empower men: Some Greek Evidence, EJBO Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies, Vol.9, No. 2.
۳۷. سواری، م، شعبانعلی فمی، ح، دانشور عامری، ژ، (۱۳۹۰)، "بررسی توان‌مندسازی زنان روستایی در بهبود امنیت غذایی خانوار در شهرستان دیواندره"، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۳، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۳. <http://jrpp.um.ac.ir>

۳۸. حیدری ساربان، و. (۱۳۹۱)، "توان‌مهندسی گامی اساسی در جهت نیل به توسعه روستایی، مطالعه موردی: شهرستان مشگین‌شهر"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱، شماره پیاپی، ۱۰۶، شماره مقاله ۸۲۷.
۳۹. یعقوبی، م، شهرکی، ج، کرباسی، ع. ر (۱۳۸۹)، " بررسی کارایی تعاونی‌ها و واحدهای غیر تعاونی پرورش میگوی شهرستان چابهار با استفاده از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها. تعاون، ۲۱(۴)، ۷۱=۹۴
۴۰. ده‌حقی، س، چیدری، م، صدیقی، ح، (۱۳۹۳) "نقش تعاونی‌های کشاورزی در توان‌مهندسی اجتماعی زنان روستایی استان تهران" تعاون و کشاورزی، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۳.
۴۱. رحمانی، م، رفیع پور گاوگانی، س، زند رضوی، س، ادیبی، م، ربانی، ع، (۱۳۸۹). "اثر اعتبارت خرد بر مدیریت بحران: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی پشت رود بم". فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، صفحات ۸۳-۵۱.
۴۲. معظمی، م، رحیمی، ع. (۱۳۸۴) "بررسی پوشش و پایداری برنامه اعتبارات خرد، مطالعه موردی، صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی" تهران: مرکز تحقیقات روستایی و دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی.
۴۳. رضایی مقدم، ک، نعمت‌پور، ل، (۱۳۹۳) "فعالیت در تشکل‌های تولید ورمی کمپوست، راهکاری برای توان‌مهندسی زنان روستایی: مطالعه موردی استان فارس". فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، صفحات ۱۰۳-۸۳
۴۴. فواندی، ف، چهارسوقی امین، ح، علی پور، ح، (۱۳۹۰)، "عوامل تأثیرگذار بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی"، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، صفحات ۶۵-۴۹.
۴۵. لطیفی، س، سعدی، ح، شعبانعلی‌فمی، ح، (۱۳۹۱)، "ارزیابی نقش تعاونی‌های دست‌بافت روستایی در توان‌مهندسی زنان قالیباف. مطالعه موردی: استان همدان"، فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۳.